

۱۸۴۱۲۹۶

گلچین اشعار حماسی شاهنامه فردوسی

جنگ رستم و افراسیاب

ابوالقاسم فردوسی

به کوشش: ساحل فروزانفر

www.ketab.ir

سرشناسه: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ق. عنوان قراردادی: شاهنامه
برگزیده. عنوان و نام پدیدآور: جنگ رستم و افراسیاب / تالیف ابوالقاسم
فردوسی؛ به کوشش ساحل فروزانفر. مشخصات نشر: تهران: ساحل زندگی،
۱۳۹۶. مشخصات ظاهری: ۶۴ ص. شابک: ۱-۷-۹۸۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸.
وضعیت فهرست نویسی: فیفا. فروست: گلچین اشعار حماسی شاهنامه فردوسی:
شعر فارسی قرن ۴. شناسه افزوده: فروزانفر، ساحل، ۱۳۷۲ گردآورنده.
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۱۴ش / PIR۴۴۹۱. رده بندی دیویی: ۸۱/۲۱.
شماره کتابشناسی: ۲۲۰۱۵۲۱



انتشارات ساحل زندگی

تهران: خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۶
تلفن: ۶۶۴۹ ۲۲۲۷

گلچین اشعار حماسی شاهنامه فردوسی

جنگ رستم و افراسیاب

ابوالقاسم فردوسی

به کوشش: ساحل فروزانفر

ناشر: انتشارات ساحل زندگی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۱-۷-۹۸۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

فهرست

۵	مقدمه
۱۱	خواست کردن رستم گرگین را از شاه
۱۳	آراستن رستم لشکر خویش
۱۴	رفتن رستم به شهر ختن به نزد پیران
۱۶	آمدن منیر به رستم
۱۸	آگاهی یافتن پیران از آمدن رستم
۲۱	برآوردن رستم بیژن از چاه
۲۳	شیخون کردن رستم به پیران افراسیاب
۲۵	آمدن افراسیاب به جنگ رستم
۲۷	شگفت یافتن افراسیاب از ایرانیان
۲۸	بازآمدن رستم پیش کیخسرو
۲۹	جشن آراستن خسرو
۳۱	[داستان دوازده رخ]
۳۲	در خواندن افراسیاب سپاه را
۳۴	فرستادن کیخسرو و گوردز را به جنگ تورانیان
۳۷	پیام بردن گیو از گوردز نزد پیران
۴۰	رفتن گیو به ویسه گرد به نزدیک پیران
۴۱	صف کشیدن هر دو لشکر
۴۶	رفتن بیژن به نزد گیو و رزم خواستن
۴۸	دستوری نبرد خواستن هومان از پیران
۴۹	رزم خواستن هومان از رهام

- ۵۱ رزم خواستن هومان از فریبرز
- ۵۳ رزم خواستن هومان از گودرز
- ۵۶ آگاه شدن بیژن از کردار هومان
- ۵۹ دادن گيو درع سیاوش را به بیژن
- ۶۱ آمدن هومان به جنگ بیژن

www.ketab.ir

مقدمه

اد. القاسم فردوسی از لحاظ زنده کردن تاریخ و داستان ملی و از جهت نفس تازه دمیدن به زبان فارسی بی شبهه بزرگترین شاعر ایران زمین است. و دیگر ایندگان و گویندگان ما در این هنر به پایه او نمی‌رسند استادی به زرگی تاریخ که دریچه‌ای به جهان ادبیاتمان گشود هم او بود که پارسی را زنده کرد و با سواپی سخن، ادبیات را ماندگار کرد. تا آنجا که آوازه‌اش تا کرانه‌ها پیچید فردوسی یکی از ستارگان درخشان آسمان ادب فارسی و از مفاخر نام آرم ملت ایران است و به سبب همین عظمت مقام و مرتبت، زندگی او مانند سایر بزرگان درجه اول ایرانی با افسانه‌ها و روایات مختلف آمیخته شده درفش ملی بدین بزرگی و مقام، شرح حال و تاریخ زندگیش ناقص و مجهول است و آنچه بر ما معلوم است اندکی از بسیار است. تولد او در سال ۳۲۹ در قریه باژ از ناحیه طبران طوس بوده یعنی همان جا که امروزه آرامگاه او است. فردوسی مردی وطن پرست و در میهن پرستی استوار بود. این مطلب را می‌توان در جای جای شاهنامه و خصوصاً از شور و عشق فردوسی که در خاستن ایران و نژاد ایرانی است و به خوبی آشکار است یافت بطوریکه سی و پنج سال برای سرودن شاهنامه رنج می‌برد و تمام دارایی خود را از دست می‌دهد و در پایان عمر تهیدست می‌شود چرا که عشق به ایران و ایرانی تا آنجا در وجودش رسوخ کرده بود که بر آن شد تاریخ میهن خود و افتخارات گذشته آنرا که در خطر نیستی و فراموشی می‌دید احیا کند و بتواند از

بلاغت و فصاحت معجزه آسا و شیوایی سخن خود بهره مند شود و آن را از زوال و فراموشی برهاند. و باید گفت که در این راه خدایی کرد. تا آنجا که حتی در مرگ پسرش از ادامه کار باز نایستاد تا شاهنامه را همانگونه که از نامش بر می آید جاودان نماید، برای ایرانی که می خواست جاودان بماند. زبان از گفتن هر آنچه در این ۳۵ سال بر او گذشته فزاسست باشد که پاسبان «داریم این دردانه تاریخ را». فردوسی از تاریخ نیاکان خود و از داستانها و افسانه‌ها و تاریخ ایران اطلاع و یا به داشتن آنها شوق و علاقه داشت و تربیت خانوادگی وی را بر این داشت که بدون مشوق و محرک، خود به این کار عظیم دست زند. در حالیکه تذکره نویسان در شرح حال فردوسی نوشته اند: که او به تشویق سلطان محمود به نظم شاهنامه پرداخت و به علت این اشتباه آن است که نام محمود در نسخ موجود شاهنامه که در همین نسخه شاهنامه فردوسی است توسط خود شاعر گنج‌انیده شده، نسخه اصل شاهنامه که مختصر بود به منظوم ساختن متن شاهنامه ابومنصور، قری آغاز شده بود، که ۱۹ سال از عمر دولت سامانی باقی بود و اثر فردوسی تنظیم منظومه خود را به پادشاهی لازم می شمرد ناگزیر به درگاه آل سامان که خریدار اینگونه آثار بود، روی می نمود و به هر حال نمی توانست در آن تاریخ به درگاه سلطانی که هنوز روی کار نیامده بود بشتابد. محمود ترک زاد و بومی نه تنها در شاهنامه استاد طوس تأثیری نداشت، بلکه تنها در او قصد قتل گوینده آن به گناه دوست داشتن نژاد ایرانی و اعتقاد به تشیع بوده است.

نظم داستانهای حماسی:

فردوسی ظاهراً در اوان قتل دقیقی حدود «۳۶۹ - ۳۷۶» به نظم داستانهای مشغول بوده و بعضی از داستانها که منفردند «بیژن و گرازان»، را باید در رأس همه قرار داد. داستان بیژن و گرازان یا رزم بیژن و گرازان و